

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری جهت تحقق وحدت امت

دکتر محمد حسین مختاری

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی

چکیده

جهان اسلام امروز درگیر فتنه‌ای است که منشاء آن جریان‌های تکفیری است که نه با شیعه سر سازش دارد و نه اهل سنت را برمی‌تابد.

این جریان وابسته به غرب با قرائتی خودساخته از آموزه‌های اسلامی سعی در تخریب هر چه بیشتر اسلام در نگاه جهانیان دارد و برای رسیدن به این هدف از هیچ جنایتی واهمه ندارد.

لذا این مقاله در پی بررسی چرایی ضرورت مقابله با گروه‌های تکفیری در راستای تحقق وحدت امت است که با بررسی‌های انجام شده، لزوم نفی اسلام‌هراسی و ضرورت تبیین اسلام اصیل در جوامع بشری، به عنوان مهمترین اصل در مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری مورد توجه قرار گرفته است.

هم چنین ضرورت امنیت زایی برای جهان اسلامی و دیگر جوامع بشری، در حالی که گروه های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورها را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش يك خانواده های مسلمان را به هم ریخته است بیش از پیش احساس می شود.

بی تردید تجمیع و تحقق مولفه های مذکور و تلفیق مقابله علمی و نظری و نظامی با هدف سرکوب کامل گروه های تکفیری، توطئه های آمریکا و متحدانش به ویژه عربستان، در ترسیم نظام دو قطبی در جهان اسلام متلاشی خواهد کرد.

کلیدواژگان: مقابله با جریانات تکفیری؛ اسلام هراسی، امنیت، فضای دو قطبی؛ اتحاد امت اسلامی

مقدمه

پدیده شوم تکفیر از جمله چالش های مهم در جهان اسلام است که از زمان امیر المومنین (ع) و از سوي خوارج آغاز و به جریانهای تکفیری عصر ما رسیده است.

اینچنین است که گروه های تکفیری جهان اسلام را که بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و انسجام نیاز دارد با چالش های متعدد مواجه کرده و همچون اسلاف خود، به جای مبارزه با دشمنان قسم خورده های اسلام، بذر تکفیر را در جهان اسلام می پراکنند و قوای مسلمین را تحلیل می برند.

از این رو جریان های تکفیری خطرناک ترین پدیده های اند که امت اسلام به خود دیده است. پدیده تکفیر با ایجاد فتنه در میان امت اسلامی، چالش های عظیم سیاسی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی منبعت از عملکرد این گروه های تروریستی، مقول صلح، وحدت، امنیت و پیشرفت را به شدت تهدید کرده است.

ظهور گروه های وحشت و ارهاب؛ همچون داعش، جبهة النصرة، القاعدة، سپاه صحابه، جند ا، طالبان، جيش العدل، و ... که وحشت و ترور را سرلوحه کار خود قرار داده اند، تبعات بسیار ناگوار در ایجاد خدشه علیه جهان اسلام و مسلمانان در سراسر جهان و ترویج اسلام هراسی به همراه داشته است.

حال با توجه به رخند روز افزون گروه های تکفیری در ممالک اسلامی، بر همه مسلمانان لازم است راه های

مقابله با آن را در پیش گرفته و در راستای تحقق وحدت امت اسلامی، این جریان‌ها و گروه‌ها را ریشه کن نمایند که در این راستا بالا بردن سطح آگاهی مسلمانان، ترویج تفکر وحدت، توسط علما در بین اقشار مردم و نیز مقابله سخت افزاری و نظامی در جهت نابودی کامل این گروه‌های تروریستی تکفیری مدّی‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد.

خواستگاه جریان‌های تکفیری

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در 1925، خلافت به عنوان مهمترین دغدغه مسلمانان اهل سنت مطرح شد، به نحوی که تعدادی از متفکران اهل سنت مصری، راهکار اصلی برای برون رفت از این وضعیت اسفناک را، بازگشت به سلف می‌دانستند.

لذا بازگشت به سلف نخستین بار در مصر طنین انداز شد، اما وهابیان از این شعار سوء استفاده کردند و خود را سلفی نامیدند و افکار ابن تیمیه را به عنوان افکار سلف ترویج کردند؛ و این چنین عده‌ای از دردمندان مسلمان به دام افکار ابن تیمیه افتادند و خشونت و تکفیر برگرفته از افکار ابن تیمیه را تبلیغ کردند.[1]

در این راستا گروه‌های تکفیری برای احیای خلافت اسلامی یا دست کم، تأسیس حکومت اسلامی به فتوای ابن تیمیه تمسک کرده، [2] گاه با حکم جهاد، تکفیر را در جهان اسلام نهادینه می‌کردند.[3]

از این رو به جرأت می‌توان مدعی شد همه جریان‌های تکفیری از متن گرایش‌های فکری سلفیه بیرون آمده‌اند و همه سلفیان تحت تأثیر ابن تیمیه‌اند که تجلی جنایات گروه‌های تکفیری را می‌توان در افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه مشاهده کرد، به نحوی که وی در آثار خود 917 بار از لفظ «کافر»، 892 بار از لفظ «یقتل»، 829 بار از لفظ «مرتد»، 219 بار از لفظ «یستتاب»، 97 بار از لفظ «حلال الدم» و 97 بار از لفظ «وجب توبته و الا قتل» استفاده کرده است.[4]

وی هم چنین با حرام دانستن تقلید از ائمه اربعه و اعتقاد به انفتاح باب اجتهاد، خود را مجتهد مطلق دانست و حتی فتوا داد که تقلید از ائمه اربعه کفر و ارتداد است.[5]

در کنار حرمت تقلید، فتاوای شاذ دیگری از او صادر شد که تفرقه گرایی را در جهان امروز تشدید می‌کند. یکی از فتاوای شاذ ابن تیمیه، جواز مقابله با غازان خان حاکم مغول مسلمان شده بود که با

اندیشه سیاسی اهل سنت ناسازگار است؛ لیکن همین فتوا، مستمسک گروه‌های جهادی برای مقابله با حاکمان سرزمین‌های اسلامی و ترور مخالفان قرار گرفته است. [6] به عبارت دیگر، نخستین فردی که مجوز جهاد علیه حاکم مسلمان را صادر کرد، ابن تیمیه است و امروزه جهادی‌ها با تمسک به فتواهای جهادی ابن تیمیه، به قتل و کشتار مسلمانان روی می آورند.

در نتیجه در سی سال اخیر، گروه‌های متعدد و متنوعی از جریان‌های تکفیری در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌است که غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری وهابیت، سپاه صحابه و طالبان، و سلفیه جهادی (القاعده) وابسته اند؛ در این میان مهم‌ترین گروه، سلفیه جهادی است که جهاد را واجب دانسته، و صدها گروه از جمله داعش، جبهه النصره و القاعده به آن متعلق است.

بدون شک پیدایش سلفیه جهادی را باید در کتابی از سید قطب به نام معالم فی الطريق جستجو کرد؛ سید قطب با نگارش این کتاب در پی تبیین این مسأله بود که زندگی در دوران جاهلیت قرن بیستم (فرهنگ غرب)، که بدتر از جاهلیت زمان پیامبر است، باید از بین برود. اگر چه این نظریه بی اشکال است لیکن فراز دوم از نظریه سید قطب در این کتاب مبنی بر اینکه هر کس به این جاهلیت راضی باشد او هم کافر است و تمام شهرهای اسلامی، شهرهای جاهلی است، جهان اسلام را دچار تلاطم بی حد و حصر نمود زیرا هم مسلمانان و شهرهای آنها با حکم سید قطب کافر شدند. لذا توصیف سید قطب به پیروانش این بود که به مانند پیامبر (ص) باید از مکه جاهلی به مدینه النبی هجرت کنند و یک شهر اسلامی تشکیل دهند و سپس با جهاد، در تشکیل حکومت اسلامی بکوشند. [7]

این حکم اختلاف افکنانه موجبات جذب تعدادی از جوانان تندرو و افراطی اخوان المسلمین، به آراء و اندیشه های سید قطب را فراهم کرد و اینچنین گروه‌های تکفیری متعددی در مصر و کشورهای عربی تأسیس شد.

حال با این تفاسیر و پس از ظهور بیداری اسلامی، به ویژه در اتفاقات سوریه، القاعده سوریه با عنوان جبهه النصره اعلام موجودیت کرد و دیگر پیروان القاعده را به کمک طلبید. القاعده عراق نیز به رهبری ابوبکر البغدادی به سوریه رفت و در کنار جبهه النصره به جنگ علیه دولت سوریه پرداخت.

در این زمان گروه تکفیری داعش مهم‌ترین هدفش تشکیل حکومت در عراق و شام بود که شیعیان عراق و شام را مهمترین مخالف خود دانسته و با دولت سوریه و عراق در جنگ است. [8]

بي تردید حضور نظامي آمريکا در منطقه مهم ترين عامل در قدرت يا بي جريان هاي تکفيري، در یک دهه اخير است. زيرا بر اساس تفکر سید قطب، که همه مشکلات را در جاهليت قرن بيستم جستجو مي کرد، يعني همان جاهلتي که در قرن بيستم به غير از فرهنگ غرب و دموکراسي و اومانيسم ارمغان ديگري نداشت. [9] لذا با اين اوصاف، حضور مداخله جويانه آمريکا، زمينه را براي شعله ور شدن آتش فرقه گرايي و تشديد جنايات جريانات تکفيري عليه مسلمانان در پوشش جنگ و جهاد عليه نيروهاي غربي و متحدان آمريکا افزايش داده است، لذا در نگاه القاعده، آل سعود هم مثل بقيه حاکمان اسلامي، کافر است و فرقي ميان آل سعود و ديگر حکومت ها نيست. [10]

بدین ترتیب نفوذ فرهنگ غربي موجبات احیاء و بازسازي اندیشه سياسي اهل سنت در جهان اسلام را فراهم کرده است که منجر به ظهور تفکر سلفي مصر شده است، که در نهایت با کمک پول هاي عربستان و سياست هاي مهار سوسياليسم از سوي آمريکا، به تفکر سلفي وهاي نزديک شد، اما از دل جريان سلفي اصلاحي اخوان المسلمین، جريان سلفيه جهادي بيرون آمد که به علت پذيرش يا سکوت در مقابل جاهليت قرن بيستم، حکم به کفر و ارتداد تمام مسلمانان داد و البته اين جريان پس از يازدهم سپتامبر 2001 و حمله آمريکا به افغانستان و عراق جا يگاه مردمي خود را تقويت کرد و جوانان بسياري از سراسر جهان به اين تفکر روي آوردند و به القاعده و سپس داعش پيوستند.

از سوي ديگر حضور آمريکا در عراق موجبات سوء استفاده برخي از کشورهاي حاشيه خليج فارس از تکفيري ها را فراهم کرد و فضا را به سمت جنگ شيعه و سني سوق داد و داعش را به جنگ با شيعه ترغيب نمود.

جريانات تکفيری؛ ابزار کلیدی غرب در اسلام هراسي

مفهوم اسلام هراسي

در وهل نخست بايد گفت اسلام هراسي [11] مفهومي است که به ترس، پيش داوري [12] و تبعيض [13] غير عقلاني در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد. [14] سابق اين اصطلاح به دهه 1980 م. بازمي گردد، اما پس از 11 سپتامبر سال 2001 م. مورد استفاد و سيع قرار گرفت. مؤسس رانيمد تراست [15] انگلستان، که به امر تبعيض و نفرت در اين کشور مي پردازد، در سال 1997 م. اسلام ترسي را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام؛ و بنا بر اين ترس و نفرت از تمامي مسلمانان» تعريف کرد و همچنين ابراز داشت که اين اصطلاح بر تبعيض و طرد (exclusion) مسلمانان از زندگي اقتصادي، اجتماعي و عمومي کشور نيز

اسلام هراسي مهترين هویت غربی با ابزار جریانات تکفیری

از آنجا که نظام سرمایه‌داری، تنها رقیب خود را «اسلام» مدّاند لذا برای منفی جلوه دادن چهره مسلمانان، جریانات تکفیری را که با خشونت و ترور قرین‌اند، به عنوان هویت مسلمانان جلوه مدّدهد و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای قوی، سعی مدّکند از تمایل شدید جوانان و جوامع اروپایی و آمریکایی به اسلام جلوگیری کند، زیرا غرب برای اینکه هژمونی گفتمانی خود را پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی حفظ کند، به یک غیر نیاز داشت که همانا «اسلام» بود [16]، از این رو اسلام‌هراسی به ابزاری مهم در تثبیت و تقویت هویت غربی بدل شد، لذا پس از آنکه نتوانستند با موج فزاینده تمایل به اسلام در اروپا و آمریکا مقابله کنند تلاش کردند با نشان دادن چهره ای خشن از اسلام، جوانان و مردم اروپا و آمریکا را از اصل اسلام بترسانند و بگریزانند و جوامع مادی و مسیحی خود را از موج اسلام‌خواهی مصون بدارند و اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی را با اسلام اصیل جایگزین کنند.

در این میان تصویری که جریانات‌های تکفیری در اختیار رسانه های غربی قرار مدّدهند، چهره خشونت آمیز و متصلب از اسلام رحمانی است، و مردم دنیا را از اسلام ناب دور مدّکند.

لذا سهم غرب در اسلام‌هراسی و در پی آن، اسلام ستیزی را هرگز نم‌توان نادیده گرفت؛ پس از حوادث یازده سپتامبر، غربی‌ها طرح اسلام‌هراسی را بر طبق خواسته «برنارد لویس» [17]، [18] به‌وجود آوردند. آنان مدّلهای افراطی را در پهنه جغرافیای اسلامی، به منظور زشت نشان دادن چهره‌ای اسلام، حمایت کردند تا به نظریه جاذبه اسلام، که دیگر غربیان، از آن سخن مدّگفتند، خاتمه دهند. به گفته ادوارد سعید، نگاه استثنائگرایانه غرب و یا همان غیریت سازی، موجب شده است که برای معرفی غرب خوب، اسلام و یا مسلمانان بد، ملاک قرار گیرند. [19]

و یا از دیدگاه الیویه روآ، محقق فرانسوی حوزه‌ی جنبش‌های اسلامی، دین‌داری خالص اسلامی همواره در فرهنگ ملی یا محلی ریشه دارد و این نوع دین‌داری ریشه‌ی پدیده‌ی تروریسم نیست. در واقع شاخه‌ی رادیکال اسلام‌گرایی محصول چیزی است که آن را «سرزمین‌زدایی از اسلام» می‌نامد. یعنی آحاد جوانان مسلمان ریشه‌های فرهنگی خود را از دست داده و در جامعه‌ی کشورهای غیراسلامی رها شده‌اند. این مسئله روشن می‌کند که چرا سرمنشأ بسیاری از اسلام‌گرایان رادیکال، غرب است و نه منطقه‌ی غرب

لذا اسلام‌گرای افراطی داعش اساساً محصول مدرنیته و جهانی شدن است که البته در صحنه‌ی میدانی نیز به‌جهت هم‌راستایی با منافع راهبردی غرب، نظام سلطه از آن حمایت می‌کند.

از سوی دیگر باید گفت غرب که با رشد سریع اسلام در جهان روبه‌روست، امروزه به شدت بر پروژۀ اسلام علیه اسلام تأکید می‌ورزد و با حمایت از گروه‌های افراطی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قدرت و قوت مسلمین را تضعیف میکند و از طرف دیگر، چهره‌های مشوّه از مسلمین در برابر جهانیان ترسیم مینماید.

اسلام هراسان؛ تکفیریون؛ دو روی یک سکه

باید تأکید کرد خدمات متقابل اسلام هراسان و تکفیریون؛ [21] در راستای نشان دادن چهره‌های خشن و غیرانسانی و پرخاشگر از اسلام، که از دیرباز جزو تئوری و نقشه‌ی راه کشورهای استعمارگر بوده است، منحصراً شده است.

اینگونه است که در پیوند با نوع ارتباط داعش با رژیم اسرائیل و قدرت‌های غربی، «ادوارد اسنودن»، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا اعلام کرد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور»، گروه داعش را تشکیل دادند. [22]

در سال‌های اخیر استفاده از جریان‌های تکفیری در جهت اسلام‌هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب به عنوان مهمترین پروژه قدرت‌های بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه مورد توجه قرار گرفته است تا زمینه گرایش به اسلام در جهان معاصر کاهش یابد. که آخرین تجربه نیز مربوط به حمایت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران-عراق-سوریه- حزب الله و حماس) از این جریان حمایت می‌کنند.

در این زمینه مقام معظم رهبری، ایجاد اسلام‌هراسی در جهان و نشان دادن چهره‌های زشت از اسلام را یکی از مصادیق تهدید نرم جریان‌های تکفیری بر شمرده و در این خصوص فرمودند: «جنگ گروهی مسلمان با گروهی دیگر... هم مسلمان‌ها را به جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه می‌دهند؛ وقتی تلویزیون‌ها يك آدمی را نشان می‌دهند که به نام اسلام، جگر يك انسانی را دارد می‌خورد و می‌خورد، درباره اسلام چه فکر می‌کنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند». [23]

در عصر حاضر نیز، جریان‌های تکفیری در گوشه و کنار جهان اسلام جنایت‌هایی را رقم می‌زنند که نمونه آن را در تاریخ اسلام، کمتر می‌توان دید. سربریدن، آتش زدن، مثله کردن، تجاوز به نوامیس، نابودی اموال و تخریب بناهای مقدس، گوشه‌هایی از جنایاتی است که آنان به نام اسلام مرتکب می‌شوند.

این جنبش‌های خشونت‌گرا، مثل داعش، جبهه النصره و القاعده... اسلام هراسی را تغذیه کرده و تشدید این تراژدی را در غرب رقم زده است.

بنابراین سیاست‌های اسلام هراسی و محکوم کردن مسلمانان به عنوان تروریست، نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی تکفیری است که این بهانه را در اختیار آمریکا قرار داد و ایالات متحده نیز با توجه به توان نظامی و رسانه‌ای خود، از این ابزار برای رسیدن به منافعش بهره کافی برد.

بدین ترتیب مجموعه جنایات گروه‌های تکفیری موجب تغییر چهره اسلام و مسلمین در جهان‌نیان شده است؛ به نحوی که تا چند سال پیش و قبل از بالا گرفتن غوغای تکفیرب‌ها چهره اسلام و مسلمان برای یک اروپایی و آمریکایی چهره آرام و مودب و متین یک زن یا مرد مسلمان با لباس و حجاب مناسب و تمیز و سفید بود که با قرآنی در دست و لبخند زنان و آراسته و با وقار مردم اروپا و آمریکا را با علم و استفاده از عقل و خرد به قرآن و اسلام و عدالت اسلامی دعوت می‌کرد، ولی اکنون چهره یک مسلمان فردی خشن و نارنجک بر کمر بسته و تفنگ در دست با محاسنی انبوه و چهره‌های خشن و نامرتب و صورتی بسته و لباسی سیاه و هم‌آور بر تن که فریاد می‌زند و می‌کشد و آتش می‌زند و قلبی خونین در دست دارد به جهان‌نیان معرفی می‌شود حال با این تفاسیر چه آینده‌ای از اسلام در ذهن کودکان اروپایی و آمریکایی به جا خواهد ماند؟

حال با وجود دشمنان مشترک امت اسلامی همچون آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب، ضرورت تقویت هم‌گرایی و تقریب ملل مسلمان بیش از پیش نمایان می‌شود، به ویژه آنکه بدانیم همه گروه‌هایی که برای ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف مسلمین اصرار می‌ورزند و با سلاح تکفیر به آتش فتنه و تفرقه در میان مسلمانان دامن می‌زنند به صورت مستقیم در موفقیت معاندان اسلام در ایجاد اسلام هراسی شریک هستند. بلکه طرح اساسی غرب برای ایجاد حس اسلام هراسی استفاده از روش هویت علیه هویت بوده است یعنی راه اندازی گروه‌هایی که به ظاهر هم مسلک با مسلمانان هستند تا توسط آنان ریشه اسلام را بزنند و گروه‌های تکفیری دقیقاً ابزار دست غرب برای ترویج پدیده اسلام هراسی هستند.

صیانت از امنیت جهان اسلام در گرو سرکوب جریان‌ات تکفیری

گفتنی است به موازات اسلام گرایی، اقلیت های قومی و مذهبی در خاورمیانه دیگر حاضر به تمکین در برابر رژیم های اقتدارگرا نشدند و شیعیان، مسیحیان، قبطی ها، کردها، بربرها و دیگر اقلیتها در برابر فرایند یکسان سازی رژیم های اقتدارگرا و موروئی یا پاتریمونیال[24] مقاومت کردند.

این وضعیت از یک سو ابزاری برای اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در اختیار غرب قرار داد و از سوی دیگر منبعی برای بی ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه شد.[25]

شکی نیست که صلح و دوستی، زیبا ترین واژه های است که دل هر انسان آزاده ای را جذب خود می کند و به روح و روان او طراوت وصف ناپذیری می بخشد؛ اما جریان تکفیری «وها بیت» و گروه های کوچک دیگر، از جمله کسانی هستند که پایه های صلح و امنیت جامعه اسلامی و بلکه امنیت جهانی را متزلزل کرده اند و هر روزه تعدادی از مسلمانان بدگناه را با حربه تکفیر می کشند.

لذا جریان های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورهای اسلامی را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش يك خانواده ای مسلمان را به هم ریخته است. به گونه ای که فرزندان، پدر را تکفیر می کند و برادر، برادرش را بدلیل اینکه پلیس یا سرباز است، می کشد. زیرا او در نظرش از طاغوت است و قتلش طبق عقیده ای آن ها حلال و باعث نزدیکی به خداوند است.

در این بین مشارکت جریان های تکفیری همچون داعش با افسران و بازماندگان حزب بعث عراق و نیز خاندان صدام در مبارزه با دولت عراق و هم چنین همکاری مخالفان دولت بشار اسد با سلفی های، همچون داعش، القاعده و گروه تکفیری النصره در جبهه سوریه و در کنار آن همکاری مستقیم این جریان ها با برخی کشورهای غربی و منطقه، ناامنی و رعب و وحشت را به ارمغان آورده است.

هم چنین فرو افتادن سوریه در بی ثباتی و منازعات داخلی که از ویژگی های فرقه ای نیز برخوردار شده است، به القاعده فرصت داده که نیروهای خود را از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، کشورهای عربی مانند عراق، عربستان سعودی و شمال آفریقا به خصوص تونس و لیبی به سوریه منتقل کند. با گذر زمان بحران سوریه به یکی از پیچیده ترین چالش های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین الملل تبدیل شد. شعارها در سوریه عمدتاً طایفه ای، فرقه ای و حتی مستهجن طرح شده اند و بدون تردید شعارهای گروه های مسلح در حمایت از آمریکا، ترکیه و قطر و نیز بر ضد سیاست خارجی دولت سوریه را باید آدرسی از منابع و سرچشمه های این جریانات به حساب آورد.[26]

از این روگروه های تروریستی تکفیری بزرگ‌ترین خطری است که امروز از يك طرف امنیت و آرامش جامعه اسلامی و از طرف دیگر آبروی اسلام و مسلمان را در نزد جهانیان تهدید می‌کند. بلکه در کشورهای اسلامی امنیت، آسایش و مهربانی، جای خود را به خشونت، افراط، انفجار و انتحار داده است.

حال آنکه بر خلاف اعمال گروه‌های تکفیری، با استناد به کتاب و سنت می‌توان دریافت که خشونت و افراطگرایی در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد و اسلام برای آسایش و امنیت افراد، اهتمام و توجه ویژه‌ای دارد. [27]

در تبیین این مسأله مهم باید به تاریخ اسلام نیز مراجعه کرد، به عنوان نمونه کسانی که از نظر اندیشه، امام علی (ع) را تکفیر کردند در جامعه اسلامی با امنیت زیستند و آنان همان خوارج بودند که حضرت به دلیل این مسئله با آنان به پیکار برخاست، بلکه نبرد حضرت با آنان پس از اختلال در امنیت، راهزنی و ارتکاب قتل وحشیانه صورت پذیرفت.

بنابراین جریان‌های تکفیری در برانگیختن جنگ‌ها و تعصبات مذهبی و طایفه‌ای میان بخش‌های مختلف جامعه اسلامی، از بین بردن انسجام داخلی و اجتماعی میان بخش‌های جامعه اسلامی، نابودی امنیت داخلی و ثبات سیاسی و اجتماعی... امت اسلامی را برای تخریب و نابودی این امت و این دین سوق می‌دهند و از آنجا که اسلام دین کرامت و عدالت و خواهان امنیت برای جامعه اسلامی و دیگر جوامع بشری است لذا گروه‌های تکفیری که راه جمود و تحجر و افراطگرایی را در پیش گرفته‌اند، نمی‌توانند ترورها و رفتارهای خشونت‌آمیز خود را در کشتن دیگران و ایجاد رعب و وحشت را مستند به جهاد اسلامی نمایند.

حال آنکه امنیت فراگیر و همه‌جانبه، یکی از بنیادین‌ترین عناصر پیشرفت است. تا امنیت به وجود نیاید و رفتارها بر اساس پایه‌های عقلانی استوار نگردد و خشونت از جامعه دور نشود، نمی‌توان به پیشروی و حرکت جامعه‌ای به سوی نقطه مطلوب امید داشت. این امر در کشورهای اسلامی، متأسفانه در نیم قرن اخیر، به ویژه در دو دهه اخیر، با چالشی جدی روبه‌رو شده است. گروه‌های تکفیری به نام دین و به پندار خود، برای انجام دادن واجب دینی جهاد، به ناامنی در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی روی آورده، خشونت‌های بسیاری آفریده‌اند. در برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهایی که گرفتار رفتارها و اعمال خشونت‌آمیز سلفی و تکفیری بوده‌اند، قتل‌ها و کشتارهایی که گاه به سادگی انجام می‌شود، تصویر و تصور امنیت را از این کشورها برداشته است؛ امری که زمین‌ها و بسترهای عقب‌ماندگی را در این کشورها فراهم کرده است.

جریان‌های تکفیری امروزه در قالب گروه‌هایی هم چون داعش و النصره، ثبات منطقه‌ای و به خصوص امنیت مردم در سوریه و عراق را با تهدید جدی روبه‌رو کرده‌اند، اما با توجه به اقداماتی که گروه‌های تکفیری در منطقه انجام داده‌اند و با عنایت به سابقه عملکرد گذشته آن‌ها در تهدید صلح و امنیت جهانی، و ضعف مفراط سازمان ملل و شورای امنیت در مقابله با گروه‌های تکفیری، ضرورت مقابله و سرکوب کامل جریان‌های تکفیری توسط جمهوری اسلامی ایران و متحدین استراتژیک او در منطقه باید از روش‌های مختلف از جمله جنگ نیابتی و ارسال تجهیزات به گروه‌های اسلامی (حزب الله لبنان، شیعیان عراق و گروه‌های اسلامی سنی معتدل) صورت پذیرد، زیرا در صورت سرکوب این گروه‌ها تا حدود زیادی از جرئت و توان آن‌ها در منطقه کاسته خواهد شد.

مقابله با جریان‌های تکفیری؛ راهکار بنیادین در نفی قطبی‌سازی جوامع اسلامی

لازم به ذکر است رشد جریان‌های تکفیری و عدم مقابله موثر با آن، فرآیند اسلام‌گرایی را با چالش کلیدی قطبی‌سازی جوامع اسلامی تضعیف کرده و با تفرقه‌گرایی و تقابل میان شیعه و سنی مواجه خواهد کرد.

یعنی همان رویکردی که از سوی گروه‌های تروریستی النصره، داعش و القاعده در سوریه و عراق در حال وقوع است که علاوه بر به وجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی کردن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

مفهوم اسلام‌گرایی

در دنیای معاصر با فرائد‌های متعددی از اسلام نظیر اسلام سنتی، اسلام‌گرایی، حرکت اسلامی، بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی روبه‌رو هستیم که حاکی از برداشت‌های مخالف و وجود گروه‌های متفاوت اسلام‌گرا در جوامع اسلامی است. [28] براساس نظریه‌ای گفتمان، اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، به عبارتی، در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظام یافته است. [29] یکی از مهم‌ترین کسانی که این مفهوم را در شکل عام آن استخدام کرده، «جان اسپوزیتو»

است. وی در این خصوص می‌گوید: اسلام سیاسی عبارت است از: «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی». [30]

به عبارتی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی معتبر جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و «اسلام، راه حل است» شعار اصلی آن است. در این دیدگاه، مسلمانان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. این شعار بیشتر در کشورهای شنیده می‌شود که اسلام گرایان در براندازی رژیم‌هایی خود مشارکت دارند؛ هم چنین در کشورهای که گروه‌های اسلامی قادر بوده‌اند به توسعه اهداف خود از طریق مشارکت در داخل سیستم سیاسی موجود [نمونه آرمانی آن جمهوری اسلامی ایران] بپردازند. [31]

جریان اسلام‌گرایی به رهبری اندیشمندان و عمل‌گرایان مسلمان در دوران معاصر به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی از جمله محورهای چالش برانگیز، در دستور کار نظم نوین جهانی بوده است. اسلام‌گرایی در وجوه مختلف ایدئولوژیک، فرهنگی و امنیتی راهبرد مرکزیت سیستم سرمایه داری لیبرال غربی را به چالش کشیده و دعوی نظم نوین برای اداره جهان و ترسیم آینده روابط بین الملل در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی و نیز حل عادلانه منازعات و اختلافات دارد. سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، سید محمد رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا، ابوالعلی مودودی، ابولحسن ندوی، سید قطب، و امام خمینی از جمله رهبران اسلام‌گرای دوران معاصر بوده‌اند. [32]

صیانت از وحدت امت اسلامی در پرتو مقابله با قطبی‌سازی جریان‌ات تکفیری

باید اذعان نمود رشد جریان‌های سلفی- تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، در حال حاضر به منازعه‌ای مذهبی در قالب تقابل شیعه- سنی انجامیده، که در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق عینیت یافته است. به نحوی که طیف معتدل سلفی‌گرای، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احیاناً «جوامع سنی در معرض تهدید و هجمه آن‌ها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی‌و اهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. [33]

تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه [۱] از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره به عنوان یک نظام نشانه‌شناسی اثبات می‌سازد که: «شیعه نه تنها از مارکین و خارجی‌ان امت است، بلکه متعلق به دین خود ساخته‌ای

است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه‌روزه در عراق، سوریه... در حال به روز شدن است. به ویژه پس از سال 2003 که از نظر سلفی‌ها، عراقی از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است. [34]

از سوی دیگر اهداف ایران بعد از انقلاب 1979 م. بر محور صدور انقلاب، موجب نگرانی کشورهای منطقه و به خصوص پادشاهی عربستان سعودی شد. زیرا هرگونه صعود و پیشرفت نهاد انقلابی ایران در منطقه می‌توانست پادشاهی‌های دولت‌های خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی را به خطر بیندازد. از دیدگاه عربستان، ایران همیشه در این رویا بوده که رهبر معنوی جهان اسلام باشد. در همین راستا ما شاهد یک حمایت قوی و واضح عربستان سعودی از اعتراض‌کنندگان سنی در منازعات سوریه، لیبی و یمن [35] و همچنین جریان‌های تکفیری در بحران‌های اخیر سوریه و عراق علیه شیعیان هستیم.

در واقع، رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آن‌ها را در مقابل ایران که در دهه‌ی گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر شورش‌های اخیر فرصتی به منظور خارج نمودن سوریه و عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آن‌ها در شمارش مدیترانه برای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است. [36]

در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی- تکفیری از جمله داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، النصره و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی خونین در منطقه به وجود آورد و در نتیجه، اسلام‌گرایی در جهان اسلام را با چالشی اساسی و مواجه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه (به خصوص میان گروه‌های تکفیری و شیعه) که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد، زیرا در نهایت به جای این که گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت. هم چنین به جای این که اسلام‌گرایی، به عنوان الگو و جانشین موفقی در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی مطرح باشد، به دلیل منازعات مذهبی خود به چالش تبدیل خواهد شد.

بنابراین تشدید مبارزه فکری و فرهنگی و نظامی علیه جریان‌ات تکفیری در جهان اسلام و نیز موضع‌گیری

علمای مذاهب اسلامی و مدیریت رویکرد جهان اسلامی در اتخاذ مواضع خارج از تفسیر دو قطبی شیعه و سنی، می تواند وحدت روز افزون امت اسلامی را محقق سازد.

نتیجه

بی تردید برای تحقق وحدت اسلامی و رفع چالش های رشد جریان های تکفیری فراروی اسلام گرایي، باید از راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه ها و کشورهای اسلامی و نقش سازنده نهاد تقریب مذاهب بهره گرفت؛ هم چنین مقابله نظامی با جریان های تکفیری، در واقع، زمینه ساز ارتباطات گسترده میان گروه ها و کشورهای اسلامی است که می تواند زمینه ساز هم گرایی دیدگاه ها و نظرات امت اسلامی، در قبال خطر جریان های تکفیری را فراهم نماید.

در همین راستا، کاربرد نهاد تقریب مذاهب و کاهش اختلاف استراتژیک میان کشورهای اسلامی و سوق دادن توجهات به طرف منازعه اسرائیل و مسلمانان، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از طرف دیگر، سرکوب فراگیر گروه های تروریستی تکفیری از روش های مختلف، می تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری کند.

بنابراین پیوند مبارزات علمی و نظامی از سوی امت اسلامی در راستای نابودی جریان های تکفیری، بستر ساز اتحاد امت اسلامی و نفی اسلام هراسی و بسط و گسترش اسلام نبوی خواهد بود.

هم چنین اهتمام و موفقیت ملت ها و دولت های مسلمان در نابودی کامل گروه های تروریستی تکفیری، نعمت ذی قیمت امنیت و آرامش را در سراسر گیتی به ویژه کشورهای اسلامی به ارمغان خواهد آورد که حصول این مهم از جمله آثار و برکات جلوگیری از دو قطبی سازی و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی است، و موج عظیم اسلام گرایی را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

کتابنامه

1. رمضان البوطی، محمد سعید، سلفیه بدعت یا مذهب: نقدي بر مباني وهابيت، تقریظ: واعظ زاده خراسانی، ترجمه: حسین صابری، چاپ چهارم، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد 1389 ش.

2. رشید رضا، محمد؛ الخلافه او الامامه العظمی، دراسه و تقدیم وجیه کوثرانی، بیروت، دار الطلیعه، بی تا.
3. عبدالسلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه، مصر (بی نا، بی جا، بی تا).
4. ابواللوز، عبدالحکیم، الحركات السلفیه فی المغرب، مرکز دراسات الوحدة العربیه، مغرب 2009 م.
5. ابن تیمیہ، مجموعه فتاوی، مصر، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
6. مسجد جامع، محمد، زمینه های سیاسی حکومت اسلامی در تشیع و تسنن، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب 1387 ش.
7. مصطفی مصطفی، حمزه، «جبهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسیه، مرکز العربی للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013 م.
8. معالم فی الطريق، مکتبه وهبه، 1964 م / 1384 هـ.ق.
9. جمعی از محققان، عقیده الطاعة و تبذیع المختلف السلفیه الجامیه؛ (بی نا، بی جا، بی تا).
10. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، 1394 ش.
11. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1395 ش.
12. نصر اصفهانی، ابازر، کتاب شناسی تکفیر، 1جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام) - قم - ایران، چاپ: 1، 1393 هـ.ش.
13. یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.
14. جمشیدی راد، محمد صادق و محمود پناهی، سید محمد رضا، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی

ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 5، زمستان 1391.

15. سعید، بابی، هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایي، ترجمه ی غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران، 1379.

16. اسپوزیتو، جان، جنبش های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه ی شجاع احمدوند، نشر نی، تهران 1389.

17 سیدنژاد، سید باقر، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، مسلسل 47، بهار 1389.

18 Fredman, S. (۲۰۰۲). Discrimination Law. Oxford: Oxford University Press .۲۰۰۲

19 Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press.

20 Fuller, Graham (2006-2007), "The Hizballah-Iran Connection: Model for Sunni Resistance?",
The Washington Quarterly, Vol. 30, No. 1..

21 Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed)
SSues in wondei.

22 . the Saudi American Relations", report of Al Jazeera Center for Studies.

23 .Hassan,Hassan (2013) "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists",in:
The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey as 9 Daniel Levy, The
European Council on Foreign Relations.

[1] ر.ک:محمد سعید رمضان البوطي، سلفیه: بدعت یا مذهب، ص 248 به بعد.

[2] ر.ک: سید محمد رشید رضا، الخلافة و الامامة العظمی، تمام کتاب.

[3] ر.ک: محمد عبدالسلام فرج، الفریضة الغائبة، تمام کتاب.

[4] ر.ک: عبدالحکیم ابواللوز، الحركات السلفية في المغرب، ص 113.

[5] ابن تیمیه، مجموع فتاوی ابن تیمیه، ج 4، ص 124.

[6] ر.ک: محمد عبدالسلام فرج، الفریضة الغائبة، ص 21. در این کتاب با استناد به فتاوی ابن تیمیه، جنگ علیه تمام حاکمان اسلامی، نه تنها مجاز، بلکه واجب دانسته شده است.

[7] ر.ک: محمد مسجد جامعی، زمینه‌های سیاسی حکومت اسلامی در تشیع و تسنن، ص 160-169.

[8] ر.ک: حمزه مصطفی مصطفی، «جبهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسية، مرکز العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013م.

[9] ر.ک: سید قطب، معالم في الطريق، ص 143.

[10] ر.ک: جمعی از محققان، عقيدة الطاعة و تبديع المختلف السلفية الجامية که به نقد تفکرات سلفیه جهادی درباره آل سعود پرداخته است. هم چنین نامه‌های ابولید مصري به محقق استرالیایی درباره القاعده و جواب ایشان درباره حاکمان عربستان و ایران در اینترنت.

[11] Islamophobia.

[12] Prejudice.

[13] Discrimination.

[14] (Fredman,p121).

[15] Ronneymede Trust.

[16] سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، شرق‌شناسی، ترجمه ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.

[17] Bernard Lewis.

[18] مورخ 94 ساله یهودی انگلیسی آمریکایی متخصص تاریخ خاورمیانه و نامدارترین کارشناس روابط بین اسلام و غرب.

[19] برای آشنایی با نظریه ادوارد سعید ر.ک: شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[20] Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press, p.۲۵.

[21] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 188.

[22] کافیلوک، (1394)، بهار عربی یا بهار القاعده؟، سایت دیپلماسی ایرانید (<http://www.irdiplomacy.ir/fa/1947912/2/3/1394>).

[23] بیانات مقام معظم رهبری؛ 29/10/1392.

[24] Patrimonial.

[25] (Fuller, 2006-2007: 140-141).

[26] یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.

[27] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 107.

[28] جمشیدی راد و محمود پناهی، « مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 5، ص128.

[29] بابی سعید، هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایي، ص20.

[30] اسپوزیتو، جنبشهای اسلامی معاصر، ص22.

[31]. Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith
(ed) SSues in wondei.

[32] جمشیدی راد و محمود پناهی، همان، ص 129.

[33] سید نژاد، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، ص109.

[34] همان، ص 108.

[35] "The Saudi American Relations" report of .Al Jazeera Center for studies.

[36] Hassan Hassan, "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", in: The Regional struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign Relations.